

انگاره‌ی رجعت با تأکید بر شاخصه‌ی تکامل بشریت

دکتر احسان پوراسماعیل

استادیار مؤسسه آموزش عالی آرمان رضوی مشهد

چکیده:

رجعت به عنوان یکی از شاخصه‌های مهم مکتب تشیع با تمام پیچیدگی‌هایی که دارد مورد تأکید آموزه‌های وحیانی بوده است؛ دانشوران در طول سالیان مختلف رجعت‌پژوهی، بیشتر رویکردی اثباتی به آن داشته‌اند و در مقام دفاع و تبیین دقیق آن قلم‌فرسایی کرده‌اند در حالی که براینده معرفتی آن، نگرش انسان را به زندگی تغییر می‌دهد؛ بنابراین با هدف رسیدن به این مهم بر اساس منابع متقدم و متأخر مأثور به این نتیجه می‌رسیم که رجعت، حاکی از اجرای نظام توحیدی در خلقت است که در پی آن هدف آفرینش محقق می‌شود و انسان به تکامل می‌رسد. این حقیقت که در امت‌های پیشین به شکلی خاص سابقه دارد یکی از ابزار نظام خداوند متعال، برای آمادگی انسان‌ها در برپایی قیامت است؛ بنابراین در سایه اعتقاد به رجعت، ایمان به قدرت خداوند شکل جدیدی می‌گیرد تا انسان از لحاظ روحی به تکامل برسد و وعده‌ی خداوند مبنی بر یاری اهل ایمان و رهبران آنان به وقوع پیوندد؛ ثمره‌ی تحقق این وعده، برپایی حکومت عدالت در هستی است که در آن حجت‌های خداوند به عنوان محور هستی قابلیت‌های دنیایی خود را شکوفا می‌سازند و انسان با معرفت بیشتر به حجت خدا به «معرفت الله» می‌رسد تا مسیر کمال را با هدایت رهبری الهی طی کند.

واژگان کلیدی: رجعت، قرآن، روایات، هدف آفرینش، امام زمان (علیه السلام).

مقدمه

رجعت، مصدر ثلاثی مجرد از باب «رجع، يرجع، رجوعاً» است و در لغت به معنای بازگشت است (ابن منظور، ۱۴۱۴). حقیقتی است که در امتهای گذشته، سابقه داشته و قرآن هم در آیات متعدد آنرا تأیید کرده است. اگرچه تعریف اصطلاحی رجعت جای تأمل بیشتری دارد که از مجال این مقال خارج است اما بزرگان متکلم شیعه، «رجعت» را عبارت از بازگشت برخی از مردگان به دنیا، هنگام ظهور حضرت مهدی (عجل الله فرجه)، به همان صورتی که در دنیا بوده‌اند، تعریف کرده‌اند (ن.ک: مفید، ۱۴۱۴؛ حلبی، بی‌تا؛ طبرسی، ۱۳۷۲).

این پدیده، متصل به ظهور بلکه تنیده با آن است و از آنجایی که هدف آفرینش در ظهور امام عصر (عجل الله فرجه) محقق می‌شود حقیقت رجعت، نقشی بنیادین در تکامل انسانیت دارد از این‌رو به عنوان ضروری دین در باور دانشوران شیعه مطرح شده است؛ اگر انسان، ضروری دین را قبول نداشته باشد از مذهب خارج شده است (تبریزی، ۱۴۱۸) در این میان نظر صاحب جواهر را داریم که یکی از موجبات کفر را انکار ضروری دین می‌داند (نجفی، بی‌تا).

اینک باید دید با توجه به فراوانی پرداختن به مسأله‌ی رجعت توسط معصومان (علیهم السلام) و در راستای آنان دانشوران شیعه، این رخداد چه تأثیری در تکامل بشریت دارد و چگونه به خداشناسی انسان کمک می‌کند؟

بی‌تردید رجعت موضوع تأثیرگذاری برای انسان است که حجم فراوانی از آموزه‌های وحیانی به آن پرداخته است و در مقام فرضیه این‌طور به نظر می‌رسد تأثیرات همه‌جانبه‌ی آن را باید به صورت مجزا بر بشر و امامان هدایت‌گر بررسی کرد، به عبارت دیگر رجعت در کل هستی حتی فرستادگان خداوند اثرگذار است.

مبانی تحقیق

مسأله‌ی رجعت دارای نقاط بسیار دقیق، عمیق و البته پیچیده است و از زوایای فراوانی قابل بحث است از این‌رو قرآن کریم و اهل بیت (علیهم السلام) در کنار اهتمام به فرهنگ سازی اصل ظهور به زیرساخت اعتقادی رجعت نیز توجه داشته‌اند. برخی علمای شیعه را باید رجعت‌پژوه نامید چه این‌که اهتمام جدی در طرح این موضوع در آثار خود داشته‌اند. شیخ حر عاملی بیش از شصت و چهار آیه را بر رجعت تطبیق داده است و ششصد حدیث را نقل می‌کند (همو، ۱۳۶۲) شیخ طبرسی بیش از هفتاد آیه در این خصوص نقل کرده است (همو، ۱۳۷۵) و علامه مجلسی بیش از یکصد و بیست آیه را بر رجعت تطبیق کرده است و حدود دویست روایت در این زمینه نقل می‌کند (همو، ۱۳۶۷)؛ بنابراین می‌توان در خصوص اخبار و روایات تفسیری ادعای تواتر کرد؛ علامه طباطبایی در این باره می‌گوید: روایات رجعت متواتر معنوی است و مخالفان شیعه از همان ابتدا اعتقاد به آن را از مختصات شیعه وائمه می‌دانستند و اگر بعضی از این احادیث قابل خدشه باشد ضرری به تواتر آن‌ها نمی‌رساند (همو، ۱۳۹۴).

در مقابل مخالفان مکتب اهل بیت (علیهم السلام)، رجعت را دستاویزی برای تهمت غلو به شیعه قرار داده‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵ و قفاری، ۱۴۱۵) و یا حتی با طرح خلاف واقع آن سعی کرده‌اند به ذهنیت جامعه از شیعه تأثیر منفی بگذارند این نگاه اهل تسنن سبب شده رجعت را انکار و معتقدان به رجعت را در «علم رجال» تضعیف کنند (ن.ک: التیسابوری، بی‌تا و المزی، ۱۴۰۶).

به نظر می‌رسد وجود این هجمه‌ها، پرداخت بیشتر علما به مباحث اثباتی امامت، پراکندگی روایات رجعت، تأکید دانشوران شیعه به اصل تقیه و از همه مهم‌تر پیچیدگی روایات رجعت و آمیخته شدن روایات با بحث قیامت سبب شده است که دانشوران شیعه کم‌تر به این مسأله بپردازند؛ مثلاً در منابع مشاهده می‌کنیم در برخی از موارد اهل بیت (علیهم السلام) در راستای تبیین مسأله‌ی رجعت سخن گفته‌اند و در برخی موارد در ذیل آیه‌ای از آیات معاد به موضوع رجعت پرداخته‌اند تا با

تأکید بر وجوه مختلف قرآن، به شناخت بیشتر مخاطبین پیرامون رجعت بپردازند، این همه در حالی است که مخالفان شیعه به دلیل عدم پذیرش انگاره‌ی رجعت، آیات نازل شده در این خصوص را به قیامت تفسیر کرده‌اند.

به عنوان مثال: حسن بن شاذان واسطی می‌گوید: نامه‌ای به امام رضا (علیه السلام) نوشتم و در آن از رفتارهای ناشایست مردم واسط و آزار گروهی از عثمانیان شکوه نمودم. آن حضرت به خط خودشان در پاسخ نامه‌ام نگاشتند: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَخَذَ مِيثَاقَ أَوْلِيَانَا عَلَى الصَّبْرِ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَلَوْ قَدْ قَامَ سَيِّدُ الْخَلْقِ لَقَالُوا - يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ» (کلینی، ۱۴۰۷) یعنی: همانا خداوند تبارک و تعالی برای شیعیان ما در زمان سلطه‌ی باطل، صبر را مقرر کرده است، پس در جریان تقدیر پروردگارت شکیبایی کن که وقتی آقا و بزرگ خلق به پا خیزد، اهل باطل می‌گویند: ای وای بر ما، چه کسی ما را از آرامگاه‌مان برانگیخت؟ این است آن‌چه خداوند وعده داد و پیامبران راست می‌گفتند.

در ابتدا این‌طور تلقی می‌شود که آیه‌ی ۵۱ سوره‌ی مبارکه‌ی یس اشاره به قیامت دارد، اما حضرت رضا (علیه السلام) آیه را از انحصار در آورده و ضمن امیدبخشی به شیعیان آن‌را به مسأله‌ی مهم رجعت بسط و ربط داده است؛ البته به این نکته هم باید اذعان کرد که رجعت به دلیل حساسی افراد، بسیار شبیه به قیامت است؛ در این آیه نیز هم نفخ صور و هم برآمدن از قبور گزارش شده است که در روایات رجعت نیز این دو رخ می‌دهد پس به تعبیری دقیق‌تر رجعت، زمینه‌ساز قیامت کبری است.

آن‌چه در رجعت مشهور است این رویداد با هدف تسویه حساب با سردمداران نیک و بد ایام رخ می‌دهد در حالی که یه یقین این مهم در قیامت نیز پیگیری خواهد شد، پس باید با غور در اقیانوس معارف قرآن و علوم اهل‌بیت (علیهم السلام) به اهداف دیگری از این اراده‌ی خداوند پی برد تا به سطوح والاتری از مسأله‌ی رجعت پی برد؛ چه این‌که وقتی اهل‌بیت (علیهم السلام) رجعت را به عنوان یکی از روزهای خداوند معرفی می‌کنند، آگاهی و اطلاع بیشتر از آن می‌تواند به ارتقای سطح معرفت و باور ما در یاری امام عصر (علیه السلام) بیافزاید. از امام باقر (علیه السلام) شنیده شده که حضرت فرمود: «أَيَّامُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ثَلَاثَةٌ يَوْمٌ يَقُومُ الْقَائِمُ وَيَوْمُ الْكُرَّةِ وَيَوْمُ الْقِيَامَةِ» (صدوق، ۱۳۶۲) یعنی: روزهای خداوند سه روزند: روز ظهور و روز رجعت و روز قیامت.

جدای از برداشت‌های نادرست نسبت به رجعت، مانند: معادل کردن آن با تناسخ (نک: آلوسی، ۱۴۱۵ و قفاری، ۱۴۱۵) که بیشتر جنبه‌ی دشمنی با شیعه است - چون اجماع علمای شیعه اعتقاد به تناسخ را کافر می‌داند- رویکردی ناصواب نیز در مسأله‌ی رجعت در دوران امام صادق (علیه السلام) وجود داشت که از آن به تعبیر روایت ذیل به «مقصره‌ی شیعه» یاد می‌کنیم. حضرت در نقد عملکرد آنان به مفضل می‌فرماید: «أَحْسَنْتَ يَا مُفَضَّلُ فَمِنْ أَيْنَ قُلْتَ بِرَجْعَتِنَا وَمُقَصَّرُهُ شِيعَتُنَا إِنْ مَعْنَى الرَّجْعَةِ أَنْ يَرُدَّ اللَّهُ إِلَيْنَا مُلْكَ الدُّنْيَا فَيَجْعَلَهُ لِلْمَهْدِيِّ وَيَحْجَهُمْ مَتَى سَلَبْنَا الْمُلْكَ حَتَّى يَرُدَّ إِلَيْنَا. قَالَ الْمُفَضَّلُ لَا وَاللَّهِ يَا مَوْلَايَ مَا سَلَبْتُمُوهُ وَلَا سَلْبُوهُ لِأَنَّهُ مُلْكُ النَّبُوَّةِ وَالرَّسَالَةِ وَالْوَصِيَّةِ وَالْإِمَامَةِ» (خصیبی، ۱۴۱۹). یعنی: مقصره از شیعیان ما می‌گویند: معنای رجعت ما این است که خداوند حکم فرمایی دنیا را به ما خاندان بازگرداند و آن‌را در دست مهدی ما قرار دهد. وای بر آنان، سلطنت زمین چه زمانی از دست ما ستانده شده تا بخواهد باز گردانده شود؟ مفضل عرض می‌کند: نه به خدا سوگند، این منصب از شماست، نه یک منصب زودگذر دنیوی.

از این روایت عدم تفکیک حکومت ظاهری و باطنی اهل‌بیت (علیهم السلام) مستفاد می‌شود و تقسیم بندی‌های رایج مردم ناصواب معرفی می‌شود به عنوان مثال: علی رغم غصب خلافت از امیرالمؤمنین (علیه السلام) مدت حکومت ایشان را باید سی سال بدانیم؛ هم‌چنین امام عصر (علیه السلام) هم اکنون امام زنده‌ی روزگار است که با اذن الهی شکل جدیدی از مدیریت خود در هستی را نشان خواهد داد.

روش تحقیق

این پژوهش از نوع تحقیقات توصیفی است که در آن با واکاوی انگاره‌ی رجعت از منابع دسته اول علمای شیعه؛ پدیده‌ی رجعت به روش مطالعه‌ی کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا با تأکید بر نگرش معرفتی آن مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش

اعتقاد به رجعت سبب ایمان بیشتر به قادریت خداوند می‌شود که تأثیرات فراوانی در زندگی انسان می‌گذارد، هم‌چنین رجعت، به عنوان زیرساخت اعتقاد به قیامت، ایمان به جهان واپسین را نیز تقویت می‌کند. وعده‌های قرآنی برپایی عدالت و یاری حجت‌های خداوند و پیروان‌شان در عصر رجعت شکل می‌گیرد که در پی آن قابلیت‌های حجت خداوند پدیدار می‌گردد. در تحلیلی دقیق می‌توان گفت چون هدف آفرینش شناخت حجت خداست، غایت اصلی رجعت، بازگشت اهل بیت (علیهم السلام) به دنیا برای برپایی نظام توحیدی می‌باشد تا قابلیت‌هایی که در نهاد انسان در این نشئه فرصت شکوفایی نیافته، در رجعت و در سایه‌ی حکومت امام عصر (علیه السلام) به فعلیت برسد.

شاخصه‌های افزایش سطح معرفت با اعتقاد به رجعت

هر مبحث معرفتی ارتقادهنده‌ی بخشی از معرفت انسان می‌گردد. با تأمل پیرامون باور رجعت شاهد افزایش سطوح عالی‌ی معرفت بشری هستیم که با جمع‌بندی نگارنده به پنج مورد تقسیم می‌شود:

۱ - ایمان به قادریت خداوند

معرفت به ذات خداوند ممکن نیست و در روایات متعدد به این حقیقت اشاره شده است؛ نظیر حدیث شریف امام باقر (علیه السلام) که می‌فرماید: «تَكَلَّمُوا فِي كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَتَكَلَّمُوا فِي ذَاتِ اللَّهِ» (کلینی، ۱۴۰۷) از این رو، راه شناخت خداوند پی بردن به صفات فعلی اوست که باید طبق قاعده‌ی «خروج عن الحدين» (همان) تبیین شود. (نک: پوراسماعیل، ۱۳۹۰)

یکی از صفات خداوند، «قادر» است که در طول تاریخ انبیاء همواره مورد تردید بسیاری از مردم قرار گرفته است. قرآن کریم با طرح برخی از تردیدهای مردم، واکنش خدای متعال را به هریک گزارش داده است: زنده شدن الاغ جناب عزیر (علیه السلام) بعد از مرگ (البقره، ۲۵۹)، دوباره زنده شدن پرندگانی که حضرت ابراهیم (علیه السلام) آنان را کُشت (همان، ۲۶۰) و بازگشت سگ اصحاب کهف به همراه جوانمردان آنجلس (الکهف، ۲۵-۱۳) نمونه‌هایی است که روشن می‌کند قبل از به وقوع پیوستن آیه‌ی «وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ» (التکویر، ۵) پدیده‌ی حشر (گرد آوردن پس از مرگ) چندین بار پیش از حشرِ نهایی در قیامت، در قالب رجعت رخ داده و خواهد داد. قدریه، مانند یهودیان دست خدا را در برخی از امور بسته می‌دانند و افعال خداوند را از روی جبر می‌دانند؛ اهل بیت (علیهم السلام) ضمن نقد این باور، از شیعیان خواسته‌اند تا تجلی قدرت خداوند را نه تنها انکار کنند بلکه اقرار به آن داشته باشند.

به موضوع عدم انکار در برخی روایات اشاره شده است؛ امام باقر (علیه السلام) این آیه را «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ» خواندند و فرمودند: «فقال: هل تدري ما يعني فقلت: يقاتل المؤمنون فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ، قال: قال: من مات من المؤمنين رد حتى يقتل، و من قتل رد حتى يموت، و ذلك القدر فلا تنكرها». (عیاشی، ۱۳۸۰) یعنی: می‌دانی درباره‌ی چه کسانی است؟ گفتم: درباره‌ی مؤمنانی که می‌جنگند، می‌کُشدند و

کشته می‌شوند. فرمود: خیر. درباره‌ی مؤمنان است. آنان که کشته شده‌اند، بازگردانده می‌شوند تا بمیرند و آنان که مرده‌اند، بازگردانده می‌شوند تا کشته شوند. و این، قدرت خداست مبدا انکارش کنی.

از سویی دیگر به موضوع اقرار به رجعت در بسیاری از ادعیه تأکید شده است؛ مانند این تعبیر: «إِنِّي مِنَ الْقَائِلِينَ بِفَضْلِكُمْ، مَقَرُّ بَرَجَعْتِكُمْ، لَا أُكْفِرُ لَه قُدْرَةً وَلَا أَزْعِمُ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ» (طوسی، ۱۴۱۱؛ سیدبن طاوس، ۱۳۳۰ و حر عاملی، ۱۴۰۹). یعنی: من معتقد به برتری شمایم و اقرار به بازگشت شما دارم، منکر هیچ گونه ناتوانی در خداوند نیستم و اعتقاد ندارم مگر به آنچه خدا خواسته باشد.

اقرار به این اعتراف در بسیاری از زیارت‌های معصومین (علیهم السلام) انعکاس داده شده است مانند: زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) که حضرت خضر (علیه السلام) بعد از شهادت آن حضرت خواند، «إِنِّي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بِرَجَعْتِكُمْ، لَا مُنْكَرُ لَه قُدْرَةً وَلَا مُكَذِّبٌ مِنْهُ مَشِيَّةٌ». (ابن مشهدی، ۱۴۱۹) یعنی: من به رجعت شما ایمان دارم، نه توانایی خدا را انکار می‌کنم و نه خواست او را تکذیب می‌نمایم.

هم‌چنین با بررسی مفردات مرتبط با بحث رجعت در روایات مأثور به واژه‌ی «ایاب» می‌رسیم که این نیز حاکی از قدرت خداوند متعال است.

با کنکاش در روایات، رجعت را می‌توان یک رویداد عمومی گرفت اما ایاب زمانی رخ می‌دهد که دولت کریمه‌ی امام عصر (علیه السلام) مستقر می‌شود که علامه شبّر از آن به فرج یاد کرده است. (همو، ۱۹۹۷).

در معارف شیعی به ما آموخته شده است پدیده‌ی «ایاب» را که برای خواص یا به عبارت دیگر حجت‌های خداوند اتفاق می‌افتد از قدرت‌های الهی و تجلیات حجت‌های او بدانیم.

آن چنان که اعتقاد و اقرار به بازگشت امام حسین (علیه السلام) در مقابل باور انکار قدرت و تکذیب مشیت در بسیاری از زیارت‌های ایشان به چشم می‌خورد؛ نظیر این تعبیر: «إِنِّي بَيِّابُكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، لَا أُكْفِرُ لَه قُدْرَةً وَلَا أَكْذِبُ مِنْهُ بِمَشِيَّةٍ». (ابن قولویه، ۱۳۵۶) یعنی: من از معتقدان به بازگشت شمایم و قدرت خدا را انکار نمی‌کنم و مشیت الهی را تکذیب نمی‌نمایم.

بنابراین، منکران قدرت خداوند از جمله (قدری‌ها) با وقوع جریان رجعت پی به قدرت نامتناهی خداوند می‌برند که در پی آن یکی از اهداف آفرینش که «معرفت الله» است، محقق می‌شود.

تأثیر فراوان اعتقاد عمیق به قدرت خداوند در این مجال قابل بررسی نیست اما خلاصه‌ی آن در سه برآیند به شرح زیر است:

الف) با اعتقاد به قدرت همه‌جانبه‌ی خداوند، انسان به این حقیقت رهنمون می‌شود که او، آگاه به درون و برون انسان است و نظارت و شهود در همه‌جا، همه‌وقت و در همه‌ی حالات، مصونیت نفسانی را به دنبال خواهد داشت.

ب) با اعتقاد به قدرت مطلق خداوند، هرگز انسان در زندگی ناامید نخواهد شد و با توکل و اعتماد به او از آرامش شگفتی برخوردار خواهد شد به طوری که از هرگونه اضطراب و پراکندگی ذهن نجات خواهد یافت.

ج) چنین انسانی در برابر هیچ قدرتی جز خداوند متعال، ذلیل نگشته و ترس به دل راه نخواهد داد و محکم و استوار در مسیر حق در حرکت است، به تعبیر دیگر زندگی، تنها برای کسی که پی به چنین قدرتی برده است، معنا دارد.

۲ - رجعت، زیرساخت اعتقاد به قیامت

اعتقاد به قیامت انسان را به کمال می‌رساند، همواره تلاش انبیاء و امامان پیشین ارتقای آگاهی بشر به زندگی بعد از این دنیاست تا بشر به این دنیا همانند پلی برای رسیدن به سرای جاویدان بنگرد. پرواضح است کسی که به قیامت می‌اندیشید از آثار مهم تربیتی آن بهره‌مند می‌شود که مهم‌ترین آن تغییر در عملکرد است؛ به این ترتیب ناپاکان به فکر اصلاح خویش و نیک‌سیرتان، اعمال خود را بهتر از پیش انجام خواهند داد. با رخداد رجعت، زمینه‌ی اعتقاد به قیامت برای همگان به گونه‌ای دیگر فراهم می‌شود؛ و با این اتمام حجت دیگر جایی برای انکار معاد باقی نمی‌ماند.

۳ - یاری حجت‌های خداوند و پیروان‌شان

یکی از وعده‌های خداوند که هنوز صورت نگرفته است وعده‌ی نصرت به فرستادگان و مؤمنان است. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ» (الغافر، ۵۱) یعنی: در حقیقت، ما فرستادگان خود و کسانی را که گرویده‌اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان برپای می‌ایستند قطعاً یاری می‌کنیم. هم چنین می‌فرماید: «وَ اسْمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ» (ق، ۴۱) یعنی: و روزی که منادی از جایی نزدیک ندا درمی‌دهد، به گوش باش.

جمیل‌بن‌دراج از امام صادق (علیه السلام) درباره‌ی این آیه می‌پرسد؛ آن حضرت می‌فرماید: «ذَلِكَ وَ اللَّهِ فِي الرَّجْعَةِ مَا عَلِمْتُ أَنَّ فِي أَنْبِيَاءِ اللَّهِ كَثِيراً لَمْ يُنْصَرُوا فِي الدُّنْيَا وَ قُتِلُوا وَ أَيْمَهُ قَدْ قُتِلُوا وَ لَمْ يُنْصَرُوا فَذَلِكَ فِي الرَّجْعَةِ قُلْتُ وَ اسْمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمَ الْخُرُوجِ - قَالَ هِيَ الرَّجْعَةُ» (قمی، ۱۴۰۴ و مجلسی، ۱۴۰۳) یعنی: به خدا سوگند، این وعده در رجعت محقق خواهد شد. مگر نه این است که بسیاری از انبیا و ائمه (علیهم السلام) در دنیا یاری نشدند و کشته گشتند؟ پس - این وعده هنوز محقق نشده و - در رجعت چنین خواهد شد. گفتم: این دو آیه مربوط به چیست؟ «وَ اسْمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمَ الْخُرُوجِ» فرمود: مربوط به رجعت است.

۴ - برپایی عدالت

یکی از مهم‌ترین اهداف ظهور امام عصر (علیه السلام) برپایی حکومت عدالت در سراسر گیتی است که براینند روایات حاکی از آن است که مهم‌ترین بستر تحقق این آرمان سترگ، رجعت است. نیک می‌دانیم از ویژگی‌های اهل بیت (علیهم السلام) سخن گفتن با افراد در اندازه‌ی فهم آنان است و در مواردی که سطح پاسخ فراتر از ظرفیت اشخاص بود، معصومان (علیهم السلام) ظرفیت پذیرش کلام حق را در آنان ایجاد می‌کردند.

شناخت مخاطب حدیث که گاه در قالب روحیه‌ی پرسش‌گری توسط صحابه و گاه آغاز کردن سخن، توسط معصوم (علیه السلام) متبلور می‌شود یکی از مباحث مهم فقه الحدیث است.

برکسی پوشیده نیست، سلمان فارسی از خواص صحابه پیامبر و امیرالمؤمنین (صلوات الله علیهم اجمعین) و یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار در اسلام است؛ از این‌رو یکی از احادیث مهم رجعت که دارای ابعاد مختلف این پدیده است از جناب سلمان برای ما نقل شده است.

وی می‌گوید: پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حدیثی ائمه‌ی دوازده گانه (علیهم السلام) و حضرت زهرا (علیها السلام) را نام برد؛ من گفتم: یا رسول الله (صلی الله علیه و آله) دعا کنید که من زمان ایشان را درک کنم. پیامبر (صلی

الله علیه و آله) فرمودند: ای سلمان، تو و امثال تو و هر کس که به حقیقت معرفت، ولایت ایشان را پذیرفته باشد، درکشان خواهند نمود.

من از این فرمایش پیامبر (صلی الله علیه و آله)، خدا را بسیار سپاس کردم، سپس گفتم: یا رسول الله (صلی الله علیه و آله)، آیا عمر من آن قدر طولانی می‌شود تا آن زمان را درک کنم؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: ای سلمان، این آیه را بخوان: «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا؛ ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا» (الإسراء، ۶۵) من از شدت شوق به شدت گریستم و سپس گفتم: یا رسول الله، به ضمانت شما؟ فرمودند: بله، سوگند به کسی که مرا به رسالت فرستاد به ضمانت من و علی و فاطمه و حسن و حسین و نه امام بعدی و هر کسی که از ماست و در راه ما ستم کشیده است. آری ای سلمان، بعد از آن است که شیطان و لشکریانش و هر کس که خالص در ایمان یا خالص در کفر باشد حاضر می‌شود تا قصاص‌ها انجام شود و انتقام‌ها گرفته و دادها ستانده شود، و «پروردگار تو به هیچکس ستم روا نمی‌دارد» و ما هستیم تأویل این آیه «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَنُكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ» (القصص، ۶۵) یعنی: و ما می‌خواهیم که لطف کنیم بر کسانی که در زمین ضعیف شمرده شدند (ستم کشیدند) و ایشان را پیشوایان و وارثان (زمین) قرار دهیم؛ و ایشان را در زمین تمکن و قدرت ببخشیم و فرعون و هامان و لشکریانشان را از جانب ایشان به آن چه می‌ترسیدند، مبتلا نماییم. سپس از نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) برخاستم در حالی که از شوق اصلاً برایم مهم نبود که اجلم کی فرا می‌رسد (جوهری، بی تا و فیض کاشانی، ۱۳۷۱).

برای برپایی عدالت فراگیر بر اساس روایت فوق باید قصاص‌ها انجام و انتقام‌ها گرفته شود؛ با این اقدام ضمن رسوایی جریان‌های انحرافی حاکم بر نظام هستی، راه از بیراهه مشخص می‌شود تا پیروان واقعی حکومت عدالت مشخص گردند؛ به یقین دنیایی که عدالت در جای جای آن ساری و جاری باشد برای تحقق هدف آفرینش آمادگی لازم را داراست.

توجه به این نکته حائز اهمیت است که انتقام در فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام) رفتاری تلافی جویانه نیست بلکه پاک شدن زمین از لوث بدعت‌های باطل و اندیشه‌های انحرافی است.

۵ - شکوفایی قابلیت حجت‌های خداوند

رجعت، حتی برای آنان که هستی به طفیل وجودی آنان خلق شده است تأثیرگذار است؛ براساس روایات مأثور رجعت، به قابلیت‌های حجت‌خدا فرصت شکوفایی می‌بخشد.

نیک می‌دانیم که بعد از حیات نبی مکرم (صلی الله علیه و آله) جامعه، دچار انحراف از مسیر حق گردید، این انحراف به اندازه‌ای در هستی تأثیرگذار بود که اهل بیت (علیهم السلام) در وصف خود از صفت «مستضعف» استفاده کردند: «عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَظَرَ إِلَىٰ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَبَكَى وَ قَالَ أَنْتُمْ الْمُسْتَضْعَفُونَ بَعْدِي قَالَ الْمُفَضَّلُ فَقُلْتُ لَهُ مَا مَعْنَى ذَلِكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ مَعْنَاهُ أَنْكُمْ الْأَائِمَّةُ بَعْدِي إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ - وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ فَهَذِهِ الْأَيَّةُ جَارِيَةٌ فِينَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ». (شیخ صدوق، ۱۴۰۳)

این در حالی است که قرآن وعده‌ی حکومت مستضعفان در روی زمین را داده است: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (القصص، ۵). یعنی: و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم، و ایشان را وارث [زمین] کنیم.

به واسطه‌ی تسلط حجت واقعی خدا به صورت آشکار و محقق شدن هدف آفرینش با پرستش خدای واحد در سراسر گیتی، فرصت معرفت بیشتر به حجت خدا پیدا می‌شود که بدون شناخت حجت خدا، یافتن توحید حقیقی ممکن نیست از این رو در دعای عصر روز جمعه می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أُعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أُعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي» (کلینی، ۱۴۰۷ و طبرسی، ۱۳۹۰).

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «خَرَجَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبْدُوهُ استَعْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَنْ سِوَاهُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ قَالَ مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامُهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ» (صدوق، ۱۳۸۵) یعنی: روزی امام حسین (علیه السلام) نزد اصحاب خود آمد و بعد از حمد خدای عزوجل و صلوات بر حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) فرمود: ای مردم، قسم به خدا که خداوند بندگان را نیافرید مگر برای این که معرفت به او پیدا کنند پس وقتی معرفت او را یافتند، به عبادت او بپردازند، پس با بندگی او از بندگی غیر او بی‌نیاز شوند.

آن‌گاه مردی از ایشان پرسید: پدر و مادرم فدای شما شوند ای پسر رسول خدا، معرفت خداوند چیست؟

حضرت فرمود: معرفت اهل هر زمانی امام خودشان را که اطاعت او بر ایشان واجب است.

یکان یکان حجت‌های الهی با هدف تحقق هدف آفرینش به انجام تکلیف شرعی خود در هر عصری اهتمام ورزیدند اما شرایط هر عصر به گونه‌ای بود که تمام برنامه‌های آنان به مرحله‌ی اجرا نرسید؛ از این رو سیره‌ی عملی هر یک از امامان شیعه معرفتی موضوع مهدویت به امت خویش بود؛ در طول پیوند زدن افراد جامعه با وعده‌ی الهی به مسأله‌ی رجعت نیز پرداخته شد تا روشن گردد حجت موعود با چه ابزاری به گسترش حکومت عدالت محور خود خواهد پرداخت.

نتیجه گیری

زندگی آرام که در جای جای آن دینداری محور اصلی تشکیل آن است در بستر تجربه‌ای موعود به نام رجعت رقم می‌خورد و با تسلط علم و عدالت، هدف آفرینش محقق می‌شود.

رجعت، در ارتباطی تنگاتنگ با قدرت و مشیت الهی است و ایمان به رجعت، اقرار به قدرت و تصدیق مشیت الهی است. ظهور، مقدمه‌ی رجعت و رجعت فرصتی برای بازپروری اعتقاد به معاد برای مخلوقات است تا در محاسبات زندگی خود به مقصد نهایی چشم دوزند؛ در معرفتی بالاتر از رجعت باید گفت ظهور امام عصر (علیه السلام) مقدمه و نقطه‌ی آغاز رجعت اهل بیت (علیهم السلام) است.

منشأ انکار رجعت از جانب قدری‌ها، بسته دانستن دست خدا و عدم ایمان به قدرت نامتناهی اوست.

رجعت، فرصت اتمام مأموریت‌های اهل بیت (علیهم السلام) در تحقق هدف آفرینش است اما از آن جهت که ناملایمات روزگار امکان این مهم را رقم نزد هر امامی خود را ملزم به تبلیغ موضوع رجعت و ظهور البته در چارچوب تقیه می‌دانستند تا در پی آن ظهور هرچه بیشتر مقامات ائمه (علیهم السلام) در عرصه‌ی هستی رقم بخورد و معرفت الله حاصل شود.

منابع

- قرآن مجید
- آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، (۱۴۰۳ق)، معانی الأخبار، مصحح: علی اکبر غفاری، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه قم.
- همو، (۱۳۶۲ش)، الخصال، مصحح: علی اکبر غفاری، چاپ اول، قم، جامعه مدرسین.
- همو، (۱۳۸۵ق و ۱۹۶۶م)، علل الشرایع، چاپ اول، قم، کتابفروشی داوری.
- ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۳۳۰ق)، جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع، چاپ اول، قم، دارالرضی.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد، (۱۳۵۶ش)، کامل الزیارات، مصحح: عبد الحسین امینی، نجف اشرف، دارالمرتضویه.
- ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹ق)، المزار الکبیر، مصحح: جواد قیومی اصفهانی، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه‌ی علمیه قم.
- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، الطبعة الثالثة، بیروت، دارصادر.
- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق) وسائل الشیعه، مصحح: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- تبریزی، میرزا جواد، (۱۴۱۸ق)، صراط النجاه فی اجوبه الاستفتائات، چاپ اول، دفتر نشر برگزیده.
- حلبی، أبو الصلاح، (بی تا)، الکافی، تحقیق رضا استادی، اصفهان، مکتبه الإمام أمير المؤمنين علی (علیه السلام) العامه.
- پوراسماعیل، احسان، (۹۰-۱۳۸۹ش)، «رؤیت خدا از دیدگاه مفسران و محدثان فریقین»، رساله‌ی دکتر، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- جوهری بصری، احمد بن عبد العزیز، (بی تا)، مقتضب الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثني عشر، مصحح: مهدی هوشمند، چاپ اول، قم، انتشارات طباطبائی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۲ش)، الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه، تصحیح: هاشم رسولی، چاپ اول، تهران، نوید.
- خصیبی، حسین بن حمدان، (۱۴۱۹ق)، الهدایه الکبری، بیروت، البلاغ.
- شیر، سید عبدالله، (۱۹۹۷م)، حق الیقین فی معرفه اصول الدین، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۹۴ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه اعلمی.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۹۰ق)، إعلام الوری بأعلام الهدی، چاپ سوم، تهران، اسلامیه.
- همو، (۱۳۷۲ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق با مقدمه‌ی محمد جواد بلاغی، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ق)، التفسیر، مصحح: هاشم رسولی محلاتی، چاپ اول، تهران، المطبعه العلمیه.
- طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۱ق)، مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، چاپ اول، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه.
- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، (۱۳۷۱ش)، نوادر الأخبار فیما یتعلق بأصول الدین، مصحح: مهدی انصاری قمی، چاپ اول تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- قفاری، ناصر بن عبدالله، (۱۴۱۵ق)، اصول مذهب الشیعه، رساله‌ی دکتر، ریاض.
- قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ق)، التفسیر، مصحح: طیب موسوی جزائری، چاپ سوم، قم، دار الکتب.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷ق)، الکافی، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، چاپ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- مزی، جمال الدین یوسف، (۱۴۰۶ق)، تهذیب الکمال، تحقیق الدكتور بشّار عوّاد معروف، بیروت، مؤسسه الرساله.
- مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۷ق)، اوائل المقالات. تحقیق شیخ ابراهیم انصاری، تهران، دارالمفید للطباعة و النشر و التوزیع.
- نجفی (صاحب جواهر)، محمد حسن بن باقر، (بی تا)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- نیسابوری، ابن الحجّاج (بی تا)، صحیح مسلم، بیروت، دار الفکر.